

مانیفست کمونیست شهر هوشمند اشرافی (۲)

■ عصر ابر فراوانی محتوا

اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، و رسانه‌ها در عصر پسا-کمبود محتوا

سال‌هاست که ما وارد عصر ابر فراوانی^۱ محتوا شده‌ایم. اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، دی‌وی‌دی‌ها و دیسک‌های بلو-ری، و تلویزیون‌های ماهواره‌ای برای هر چیزی ویدئو، تصویر، صدا، و نوشته دارند. عازم یک سفر گردش به پاریس هستید، صداها ویدئو را می‌توانید در یوتیوب پیدا کنید که به گردش‌گری در پاریس می‌پردازند. هزاران صفحه وب درباره آثار تاریخی پاریس و خاطرات گردش‌گران دیگر پیدا خواهید کرد و میلیون‌ها عکس از آثار تاریخی پاریس خواهید دید. بله، ما وارد عصر فراوانی محتوا شده‌ایم. اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، انواع دیسک‌ها و حافظه‌ها، و تلویزیون‌های ماهواره‌ای وسایلی هستند برای باز نشر محتوا. در هر ثانیه در سراسر جهان میلیون‌ها قطعه محتوای جدید تولید می‌شود. نگاه این بخش به ارزش محتواست که می‌تواند مطلوب یا نامطلوب و زیان‌آور باشد؛ و مباحث دزدی اطلاعات و سوءاستفاده از کلان‌داده‌ها و مانند آن را در بخش‌های دیگر توضیح داده‌ایم.

وجود محتوای نامطلوب و زیان‌آور، به ویژه در میان تولیدات خارج از کشور، سرچشمه دو دیدگاه در برخورد با ابزارهای پخش محتوا شده است. یکی فیلترسازی و ممنوعیت و دیگری اشباع تولید محتوای مطلوب. به عنوان مثال، حالت افراطی دیدگاه اول آن است که از شبکه جهانی اینترنت جدا شویم و یک اینترنت^۲ داخلی یا شبکه ملی اطلاعات برپا کنیم.

یادآوری: اینترنت که با اینترنت فرق دارد، یک شبکه خصوصی است که از پروتکل‌های اینترنت بهره می‌گیرد، اما فقط از طریق کارکنان یک مؤسسه یا سازمان قابل دستیابی است و اطلاعات و سرویس‌های آن برای عموم مردم قابل دستیابی نمی‌باشد. اینترنت ملی یک شبکه مبتنی بر اینترنت است که شبیه به اینترنت در یک کشور کار می‌کند و جایگزین اینترنت جهانی می‌شود. □

دیدگاه و برخورد اول سه عیب مهم دارد، اولاً خودمان را از گنجینه عظیم محتوای مطلوب جهانی جدا می‌کنیم و ثانیاً «حق داده‌سازی» در اینترنت یا در شبکه‌های اجتماعی را از خودمان سلب می‌کنیم و نمی‌توانیم از فناوری‌های کامل اینترنت آ‌دم‌ها که امکانات همکاری باز را در سطح جهانی به وجود می‌آورند بهره بگیریم که مهم‌ترین ابزارهای انسان برای احقاق حقوق خود خواهند بود.

ثالثاً، فیلترسازی دو واکنش خنثی‌کننده را در پی خواهد داشت: استفاده از فیلتر شکن و مهاجرت به پلت‌فرم‌های جدیدتر. به عنوان مثال، هنگامی که شبکه اجتماعی وایبر فیلتر گردید، بسیاری از مردم به شبکه اجتماعی تلگرام مهاجرت کردند. از سوی دیگر، گاهی نیز فناوری‌های جدیدتر و کارآمدتر می‌آیند و مردم خیلی سریع به سمت این فناوری‌ها می‌روند و فیلترسازی را برای فیلترسازان دشوار می‌کنند. به عنوان مثال، اگر شبکه‌های اجتماعی استفاده‌کننده از فناوری بلاک‌چین^۳ رواج یابد به دلیل بهره‌گیری این فناوری از ذخیره نامتمرکز فیلترسازی آنها بسیار دشوار می‌شود. این روند بارها تکرار شده است.

در شماره پیش خصوصیت «گفتگوی مدنی جهانی» از طریق شبکه‌های اجتماعی و در شماره پیش از آن معایب استفاده گسترده از فیلتر شکن‌ها را به عنوان دلایلی برای رفع فیلتر این شبکه‌ها عنوان کردیم. در این بخش به راه حل می‌پردازیم. در مجموع، امروزه بازار تولید محتوا و خبر و اطلاع‌رسانی از حالت انحصاری قبل که در اختیار دولت و اشخاص خاص و محدود بود خارج شده و رفته‌رفته این امکان برای یکایک افراد جامعه فراهم گردیده است. هرچه محتوای مطلوب بیشتری تولید شود مراجعه به محتوای نامطلوب کمتر خواهد شد. ضمناً این وظیفه مردم است که با لایک‌زدن، ستاره‌دادن، و مانند آن امکان پخش گسترده‌تر محتوای مطلوب را فراهم کنند.

یک مرور تاریخی. در دهه ۱۳۶۰ دستگاه‌های ضبط و پخش ویدئوی آنالوگ VHS و بتاماکس به قیمت‌هایی رسیدند که بسیاری از مردم امکان خرید آنها را برای استفاده در منزل در سراسر جهان داشتند. اما در کشور عزیزمان ایران متأسفانه برخورد اولیه با آن به عنوان یک وسیله مفید برای خانه‌ها نبود و حتی به عنوان یک کالای ممنوعه مطرح گردید و در دیوان‌نویسی‌ها برابر بود با فحشا. در سال ۱۳۷۱ که دکتر علی لاریجانی که علاوه بر فلسفه در علوم کامپیوتر نیز تحصیل کرده بود بر مسند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تکیه زد در مدتی کوتاه با یک راه‌حل درست و منطقی مسئله را حل کرد و نوار ویدئو آزاد شد. راه حل این وزیر محترم _ که راه حل درست مسئله بود _ اشباع بازار فرهنگی با نوارهای ویدئوی حاوی فیلم‌های مجاز بود. شرکت‌ها و فروشگاه‌های متعددی متعلق به بخش خصوصی در سراسر کشور برای توزیع این نوارها تأسیس شدند و علاوه بر آن که فرصت‌های شغلی جدیدی به وجود آمد مسئله‌ای را که به یک معضل بزرگ برای کشور تبدیل شده بود به سادگی حل کرد. بعدها که سی‌دی و دی‌وی‌دی آمد چنان مشکلی دیگر وجود نداشت. برای گیرنده‌های ماهواره که بعدها آمدند راه حل همان بود، یعنی فراوانی محتوای مطلوب با تأسیس شبکه‌های ماهواره‌ای توسط بخش خصوصی، که به کار گرفته نشد.

این در حالی است که آنچه در قانون اساسی درباره انحصار دولتی رادیو و تلویزیون آمده است به فناوری رادیو و تلویزیون آنالوگ با آنتن زمینی در

³ blockchain

¹ superabundance

² Intranet

■ گفتگوی مدنی و

فروپاشی امپریالیسم بدون جنگ

مهم‌ترین خصوصیت اینترنت و به ویژه شبکه‌های اجتماعی آن است که ابزار گفتگوست. این خصوصیت مهم‌ترین تفاوت آن با رسانه‌های مرسوم مانند رادیو/تلویزیون یا مطبوعات نیز هست که صرفاً حامل محتوای یک‌سویه هستند. گفتگو در اینترنت می‌تواند دونفره تا چندمیلیارد نفره باشد. اینترنت این پتانسیل را دارد که صداهایی را که پیشتر شنیده نمی‌شدند (یا رسانه‌های مرسوم آن صداهای پخش نمی‌کردند) پخش و دموکراسی را جهانی کند. به عنوان مثال، صداهای مردم سراسر جهان علیه تخریب محیط زیست، سلاح‌های خودمختار، جنگ‌های اطلاعاتی، و تجاوز به حریم خصوصی روز به روز قدرتمندتر و متحدتر از طریق شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، و وب‌گاه‌ها منتشر می‌شود. هرچه فناوری‌های اطلاعات پیشرفت می‌کند، تجارب جهانی مردم در مورد این فناوری‌ها افزایش می‌یابد، صداهای پراکنده می‌توانند متحدتر شوند، و مسائل جهانی را می‌توانند با چنین اتحادی حل کنند. دهکده جهانی مارشال مک‌لوهان به واقعیتی ملموس تبدیل خواهد شد.

فیس‌بوک، توئیتر، یا تلگرام همگی پلتفرم⁴ هستند، آنها ابزارهایی هستند که گفتگوها بر روی آنها انجام می‌گیرد، مانند بزرگ‌راه‌هایی هستند که خودروها از روی آنها عبور می‌کنند، یا مانند قطارهای مترو هستند که مردم از آنها برای نقل و انتقال بهره می‌گیرند. گروه‌هایی اندک از این ابزارها سوءاستفاده می‌کنند و از آنها برای اموری مانند نژادپرستی، کلاه‌برداری، یا پورنوگرافی بهره می‌گیرند. همان‌گونه که بزرگ‌راه‌ها را به دلیل تخلف تعدادی راننده نمی‌بندند، یا مترو را به دلیل چند مورد جیب‌بری تعطیل نمی‌کنند، فایده‌های بسیار فراوان این پلتفرم‌ها را با آوردن چند مثال از محتوای نامطلوب نمی‌توان نادیده گرفت. این پلتفرم‌ها اگر جامعه مدنی درست از آنها بهره بگیرد پتانسیل حل کردن بسیاری از مسائل جهانی را دارند.

همچنان که در بخش پیش گفتیم، وفور محتوا و گفتگوهای مطلوب و جذاب و همچنین آشکارکننده فریب‌ها یا جنگ‌های اطلاعاتی می‌تواند سوءاستفاده‌ها را به حاشیه براند و عيوب شبکه‌های اجتماعی را برطرف کند. هرچه به وضعیت آبرفراوانی محتوا و گفتگوهای مطلوب نزدیک شویم صدای محتوای نامطلوب و گفتگوهای نامطلوب کمتر شنیده خواهد شد و راحت‌تر نتایج نامطلوب آنها خنثی خواهد شد. در جهان‌شهر هوشمند پلتفرم‌های جهانی نه تنها می‌توانند وضعیت آبرفراوانی محتوا و آبرفراوانی گفتگوهای مطلوب را به وجود بیاورند، بلکه با الگوریتم‌های هوشمند می‌توانند صداهای نامطلوب مانند صدای تروریسم را خاموش کنند. البته واضح است که این الگوریتم‌ها در یک نظام مشروطه AI-Democracy باید برای مردم شفاف عمل کنند و مردم اطمینان یابند که این الگوریتم‌ها جلوی صداهای مطلوب و ارزشمند را نخواهند گرفت.

زمان تصویب قانون اساسی اشاره دارد که برپایی آنها به بودجه‌های کلان نیاز داشت و برای عدالت در انتخابات و نشر آزاد اندیشه و همچنین عدالت اقتصادی به انحصار دولت در آمد. فناوری رادیو و تلویزیون ماهواره‌ای به ویژه نوع دیجیتال آن کاملاً با آن فناوری متفاوت است و بودجه برپایی آنها بسیار پایین‌تر از رادیو/تلویزیون آنالوگ با آنتن‌های زمینی است، اما چون در زمان تصویب قانون اساسی معمول نبود این قانون درباره آن ساکت است. عدم توجه به این نکته اتفاقاً برخلاف روح قانون اساسی بوده است که می‌خواست در این مورد عدالت برقرار شود. عملاً فضا به گونه‌ای ناعادلانه در اختیار کسانی قرار داده شد که در خارج از کشور هستند. به عنوان یک نمونه بسیار کوچک، وقتی ماهنامه ریزپردازنده در دوره فعال خودش به دلیل قیمت‌های سنگین آگهی‌های صداوسیما نمی‌توانست تبلیغات مؤثر برای جلب خواننده داشته باشد، طبیعی است که تعداد بینندگان برنامه کلیک بی‌بی‌سی هزاران برابر بیشتر از تعداد خوانندگان ماهنامه ریزپردازنده باشد. از سوی دیگر، صداوسیما رسمی به دلیل انحصار داخلی ناچار می‌شود برای رقابت با تلویزیون خارجی برنامه مسابقه آشپزی بسازد، آیا وظیفه دولت ساخت برنامه مسابقه آشپزی است؟ راه حل همان راه حل نوار ویدئو بود. به جای ممنوع‌ساختن گیرنده‌های ماهواره کافی بود که امکان تأسیس شبکه‌های ماهواره‌ای برای بخش خصوصی به منظور تولید فراوان محتوای مطلوب فراهم شود. با قانونی کردن شبکه‌های خصوصی ماهواره‌ای نه تنها می‌توان اشباع محتوای مطلوب را برای برطرف کردن نیازهای مردم پدیده آورد بلکه می‌توان در این دوره تحریم‌ها رونق تولید را به شدت افزایش داد. ضمناً با قوانین محدودکننده نمی‌توان به هدف اشباع محتوا رسید. مثلاً وقتی متولی صدور مجوز شبکه‌های ماهواره‌ای و خصوصی صداوسیما باشد که یک رقیب چنین شبکه‌هایی است امکان رسیدن به وضعیت اشباع محتوا کاهش پیدا می‌کند.

محتوا در شبکه‌های اجتماعی نیز به لحاظ ارزش محتوا می‌تواند در مجموعه محتوای مطلوب و نامطلوب قرار بگیرد و در نتیجه دیدگاه فیلترسازی و ممنوعیت برای آن مطرح بشود. در این مورد نیز راه حل درست آبرفراوانی محتوای مطلوب است تا کاربران به سمت محتوای نامطلوب کشیده نشوند. موافقان فیلترسازی برای این که زحمت تهیه محتوای مطلوب را به دوش نکشند پیوسته از مضرات محتوای نامطلوب می‌گویند _ که چون مردم کمتر به آنها توجه می‌کنند و کمتر آنها را فروروار می‌کنند یا کمتر آنها را لایک می‌زنند به طور معمول تعدادشان بسیار کمتر از محتوای مطلوب است؛ و فایده‌های بسیار زیاد این شبکه‌ها را نادیده می‌گیرند، که یکی از مهم‌ترین آنها ایجاد جنبش‌های ضدجنگ‌های سلطه‌طلبانه یا حرکت‌های حمایت از محیط زیست و مانند آن در حال حاضر است و در آینده می‌تواند برای گرفتن «حق آبادانی» اینترنت و ایجاد زمینه همکاری باز برای تولید ابزارهای تولید و مانند آن به کار گرفته شود.

⁴ platform

سیاسی و اقتصادی کشورهای دیگر از سوی یک کشور امپریالیست از طریق تحلیل کلان داده‌ها و ابرجستجوگرهای اینترنتی همچون گوگل و نرم افزارهای مشابه دیگر به منظور فروش کالا و خدمات و سود بیشتر.

به اجمال، سرمایه‌داری برای ایجاد زمینه‌های سرمایه‌گذاری برای دستیابی به سود بیشتر و همچنین حل مسئله بیکاری گسترده ناشی از هوش مصنوعی پیشرفته‌تر، به سوی سیاست‌های امپریالیستی بیشتر سوق پیدا خواهد کرد، به ویژه آن که این سرمایه‌داری به **سلاح‌های هوشمند و خودمختار** تجهیز شده باشد که روبات‌های جنگنده‌ای هستند که از هوش مصنوعی، اینترنت چیزها، **کلان داده‌ها**، و فناوری‌های دیگر بهره می‌گیرند که به لحاظ عواملی مانند ترس و شجاعت و فداکاری نسبت به سربازان انسانی کاملاً برتری دارند. همچنان که در شماره ۲۶۸ آمد ارتش‌های دنیا به سمت حذف سرباز به پیش خواهند رفت. در حال حاضر، این فناوری‌ها قدرت امپریالیست‌ها را چنان افزایش داده‌اند که در طول تاریخ بی‌سابقه بوده است. پیشرفت‌های پرشتاب فناوری‌ها این قدرت را پرتوان‌تر خواهد کرد. همچنان که در شماره پیش گفتیم انتخاب گزینه جنگ در برابر چنین قدرتهایی اشتباه است و اگر شبکه‌های اجتماعی برای گفتگوی مدنی به خوبی از طرف بخش کوچکی از مردم بارزاده جهان (**سه‌ونیم درصد**) به کار گرفته شوند این قدرت ویرانگر ناتوان و بلااستفاده خواهد شد (**توضیحات قانون 3.5 درصد** را در صفحه ۲۲ بخوانید). حتی اگر مثلاً نتیجه یک جنگ فروپاشی یک کشور امپریالیستی باشد، تا زمانی که کاپیتالیسم حاضر باشد سرمایه امپریالیست فروپاشیده وارد یک یا چند کشور امپریالیست دیگر خواهد شد که سیاست‌های امپریالیستی آنها را قدرتمندتر ادامه خواهد داد.

سیاست‌های امپریالیستی به دو روش ضعیف و نابود خواهد شد، یکی از طریق گفتگوهای مدنی جهانی علیه این سیاست‌ها که می‌تواند به کنش‌های مؤثر نیز تبدیل شود و دیگری با فروپاشی کاپیتالیسم که مردم جهان با تملک ابزارهای تولید از طریق **همکاری باز** به سوی این وضعیت حرکت می‌کنند. یک نمونه از کنش‌های مؤثر: در ماه مارس سال ۲۰۱۸ بیش از ۳۰۰۰ نفر از کارمندان گوگل طوماری را امضا کردند که در آن همکاری **گوگل** با ارتش آمریکا در برنامه کشتار توسط پهپادها را که ده‌ها هزار نفر را در خاورمیانه و شمال آفریقا به قتل رسانده بودند محکوم کردند (Project Maven). حال اگر تعداد معترضان چنین سیاست‌هایی در سطح جهان بیشتر شود و مطابق **قانون 3.5 درصد** به 3.5 درصد برسد، می‌توان به ممنوعیت کامل استفاده از **پهپادهای قاتل** امیدوار شد.

از سوی دیگر همچنان که گفته شد پیامد بیکاری گسترده، عمومی شدن مالکیت ابزارهای تولید و فروپاشی کاپیتالیسم خواهد بود. فروپاشی کاپیتالیسم نیز فروپاشی امپریالیسم را در پی خواهد داشت. بنابراین، بهترین راه‌ها برای مقابله با امپریالیسم و فروپاشی آن، **گفتگوهای مدنی** از طریق شبکه‌های اجتماعی و بهره‌گیری کارآمد از فناوری‌های اینترنت آدم‌ها برای **همکاری باز** در تولید ابزارهای تولید است.

همچنان که در شماره پیش ذکر کردیم، هوش مصنوعی و روباتیک در حوزه تجاری سریع‌تر از حوزه نظامی رشد می‌کند و چون همه کشورهای جهان به این فناوری‌ها دسترسی پیدا می‌کنند یک توازن قوا در سطح جهانی به وجود خواهد آمد که استفاده از اسلحه را ناممکن می‌سازد، اما با شبکه‌های اجتماعی و گفتگوی مدنی نیروهای جهانی امپریالیستی حذف خواهد شد. □

رایانش تکاملی و الگوریتم رقابت امپریالیستی

رایانش تکاملی (evolutionary computation) یکی از شاخه‌های هوش مصنوعی است که بر اساس قوانین تکاملی **داروین** عمل و مسائل مختلف بهینه‌سازی ریاضی را حل می‌کند. **الگوریتم ژنتیک (Genetic Algorithm)** یکی از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین روش‌های **رایانش تکاملی** است. **الگوریتم رقابت امپریالیستی (Imperialist Competitive Algorithm)** یکی دیگر از روش‌های **رایانش تکاملی** است که به رقابت امپریالیست‌ها بر سر کشورهای تحت کنترل یا ضعیف اشاره دارد. در این الگوریتم امپریالیست‌ها در مسیر تکاملی تلاش می‌کنند که امپریالیست‌های ضعیف را ساقط کنند تا بر کشورهای بیشتری سیطره یابند و قدرت‌مندتر شوند. حذف یک امپریالیست به معنای قدرت‌مندتر شدن یک یا چند امپریالیست دیگر است. این الگوریتم از یک واقعیت تاریخی بر گرفته شده است. در دنیای واقعی نیز امپریالیسم با رقابت تکامل پیدا می‌کند و قدرتمندتر می‌شود. امروزه عامل رقابت و هوش مصنوعی این قدرت را توان‌مندتر از هر زمان دیگری کرده است. جنگ و شکست دادن یک امپریالیست پیش از فروپاشی کاپیتالیسم – یعنی در زمانی که مردم ابزارهای تولید و خدمات را خودشان برای خودشان خواهند ساخت – به معنای پایان امپریالیسم نخواهد بود.

فناوری‌های اطلاعات امکاناتی را برای کشورهای تحت کنترل و ضعیف فراهم ساخته است که بتوانند به این چرخه ظاهراً پایان‌ناپذیر رقابت و تکامل امپریالیسم پایان بدهند. **همکاری باز (open collaboration)** مردم در سراسر جهان نشان داده است که می‌تواند بدون **عامل رقابت** محصولات شگفت‌انگیزی چون **ویکی‌پدیا** را خلق کنند، و در میدان کنش‌های سیاسی نیز این توان را دارد که بدون جنگ و بدون چریک‌بازی‌های مارکسیستی، امپریالیسم را ضعیف و ضعیف‌تر کند و زمینه را برای فروپاشی کامل آن آماده کند. □

امپریالیسم، بالاترین مرحله سرمایه‌داری

باز هم اگر بخواهیم از ادبیات کمونیستی برای آنچه به **امپریالیسم** شهرت پیدا کرده است بهره بگیریم می‌توانیم به عنوان کتابی از **لنین** اشاره کنیم: **امپریالیسم، بالاترین مرحله سرمایه‌داری**. این کتاب را **لنین** در عصر انقلاب صنعتی نوشته است و به احتمال زیاد خبری از هوش مصنوعی نداشته است. اما امروز در **عصر هوش مصنوعی** نیز می‌توان این توصیف **بالاترین مرحله سرمایه‌داری** را دقیق‌تر دانست، زیرا به مدد هوش مصنوعی تولید و خدمات با کمترین دخالت کارگر انسانی با بالاترین بهره‌وری و سود انجام خواهد گرفت، که سرمایه‌داری را به بالاترین مرحله خود خواهد رساند. این مرحله از کاپیتالیسم به مدد سرمایه و هوش مصنوعی، قدرت امپریالیسم را ویران‌گرتر از هر زمان دیگری خواهد کرد. امپریالیسم مجهز به هوش مصنوعی و کلان داده‌ها و نرم افزارهایی چون بازشناسی چهره می‌تواند حریم خصوصی تک‌تک افراد سراسر جهان را در معرض خطر قرار دهد. تعریف امپریالیسم در عصر هوش مصنوعی را به صورت زیر می‌توان خلاصه کرد: کنترل